

سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری (مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائمشهر)

جمال محمدی^۱

نازنین تبریزی^۲

چکیده:

از جمله متغیرهای مهم برای دستیابی به شهر پایدار و مطلوب، بالا بردن سطح آگاهی عمومی شهروندان در تمام زمینه‌ها از جمله حقوق شهروندی و قوانین شهری می‌باشد. از این رو مقاله حاضر با هدف شناخت میزان اطلاع عمومی از حقوق شهروندی و قوانین شهری و افزایش میزان ثمربخشی اقدامات آینده، با استفاده از مطالعات میدانی به بررسی تطبیقی شاخص مذکور میان افراد واقع در سن ۲۰ تا ۳۵ سال در سطح چهار شهر اول استان مازندران پرداخته است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده که با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان آگاهی در مورد حقوق شهروندی در جامعه آماری مورد مطالعه بسیار اندک است. از سوی دیگر شاخص مذکور باجنسیت و تغییرات سنی شهروندان ارتباط معناداری داشته و میزان تحصیلات دانشگاهی بر این شاخص تأثیرگذار نمی‌باشد.

کلیدواژه: حقوق شهروندی، قوانین شهری، آگاهی عمومی، شهروندان.

^۱ - عضو هیأت علمی دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی - دانشگاه اصفهان

^۲ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری - N.tab358@yahoo.com

مقدمه

همواره بین انسان و محیط پیرامون او ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اما دیرزمانی است که بستر شهرهای امروز پاسخگوی نیاز ساکنان خود نمی‌باشد و شدت فعالیت‌های شهری، شرایط بسیار سخت و مخربی را برای شهروندان به وجود آورده‌است. در این میان به نظر می‌رسد که مقابله اصولی با معضلات ذکر شده منوط به تدوین و اجرای صحیح قوانین و مقررات شهری همگام با همکاری و مشارکت آگاهانه شهروندان می‌باشد. به عبارت دیگر فرآیند تصمیم‌گیری در شهر زمانی موجب منفعت شهر و مدیریت شهری می‌گردد که شهروندان از توانایی لازم جهت مشارکت مؤثر برخوردار باشند. ولی متأسفانه در این زمینه نیز مشکلات فراوانی وجود دارد. افزایش گسترده وظایف در اداره شهر و تعاملات شهروندان با شهرداری روند پیچیده به خود گرفته است. روزآمد نبودن قوانین و مقررات از یک سو و مهمتر از آن عدم آگاهی یا اشراف شهروندان، سازمان‌های دولتی و حتی نمایندگان آنان به ریزکاری‌های امور، هر دم بر این گرفتاری‌ها و معضلات بیشتر دامن می‌زند و با گذشت زمان بر پیچیدگی راه حل مسأله می‌افزاید. به خصوص مورد اخیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بیان مسأله

در ادبیات برنامه‌ریزی امروز، شاخص‌های متعدد و گوناگونی برای تبیین میزان توسعه وجود دارد. شاخص‌های مزبور در ابتدای رواج مفهوم توسعه بیشتر جنبه اقتصادی داشتند اما با گذشت زمان به ترکیبی از عوامل مادی و غیرمادی تغییر یافته‌اند. از میان شاخص‌های سازنده ساختار اصلی توسعه، دانش عمومی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. (ساستری^۱، ۱۹۹۷، ۱۴) به طوری که در حال حاضر در جوامع مختلف، بالا بردن سطح دانش و اطلاعات عمومی در تمام زمینه‌ها از جمله حقوق فردی و قوانین شهری، یکی از وظایف و عملکردهای مهم دولت در قبال جامعه می‌باشد.

باید در نظر داشت آگاهی شهروندان به خودی خود و به واسطه تجمع آنها در کنار یکدیگر ایجاد نمی‌شود. بلکه باید نهادهای شهری متکفل ایجاد آن باشند. از سوی دیگر تنها

^۱.Sastry

داشتن حق و تکلیف و آگاهی از آنها کافی نیست بلکه این حقوق اگر مطالبه نشوند و به راستی به اجرا در نیایند، هیچ معنایی نخواهند داشت. مبرهن است که آگاهی، اولین و اساسی‌ترین گام در این راه می‌باشد اما کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) در این زمینه پیشرفت چندانی نداشته‌اند. نتایج تحقیقی که اخیراً در این مورد انجام شده نشان می‌دهد که اطلاعات عمومی آمریکاییان ساکن سانفرانسیسکو به‌طور نسبی تا ده برابر بالاتر از اطلاعات عمومی ساکنان جاکارتا در اندونزی می‌باشد که البته با میزان تحصیلات ارتباط مستقیمی نشان می‌دهد. (وبر^۱، ۱۹۹۷، ۸۷)

بدین ترتیب به راحتی می‌توان دریافت در چنین شرایطی سیاست‌ها، برنامه‌ها و ضوابط قانونی در خلاء آگاهی عمومی، به نتایج قابل توجهی نخواهد رسید و علاوه بر اختلال در مدیریت شهرها خود شهروندان را نیز با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد کرد. به عبارت دیگر داشتن زندگی مناسب در کنار دیگران و بهره‌مندی از مزایای شهر بدون آگاهی از حقوق، وظایف و تکالیف مرتب با آن تحقق نمی‌یابد.

مسأله اصلی پژوهش پیش‌رو بررسی و شناخت میزان آگاهی عمومی شهروندان از حقوق شهری با تأکید بر برخی از قوانین می‌باشد تا با شناخت میزان خلاء، امکان رفع کاستی‌ها در این زمینه فراهم گردد.

چارچوب نظری پژوهش

۱- مفاهیم

- مفهوم دانش و ضرورت آن

دانش در معنای عام عبارت است از ترکیبی سیال از تجارب، ارزش‌ها و اطلاعات زمینه‌ای که به‌صورت منسجم و یکپارچه، چهارچوبی را برای ارزیابی و کسب تجارب و اطلاعات جدید فراهم می‌آورد. این دانش از ذهن افراد جامعه سرچشمه می‌گیرد و توسط آنها به کار برده می‌شود. (لانگ^۲، ۲۰۰۱، ۴۸)

^۱ . Webber

^۲ . Lang

اهمیت دانش و اطلاعات، برای دستیابی به شرایط بهینه در هر زمینه‌ای از جمله در مسایل مربوط به شهر بر همگان آشکار است. در واقع قدرت در جایی ظهور می‌یابد که دانش و اطلاعات در آنجا حضور داشته باشد. افزون بر این، توانمندی، ظرفیت‌سازی و مشارکت که از پایه‌های اصلی شهر مطلوب می‌باشند به اهمیت دانش و آگاهی در زمینه‌های متعدد تأکید فراوان دارند.^۱ (فریش، ۲۰۰۴، ۱۷) به عبارت دیگر دانش مانند ابزاری جهت غلبه بر موانع مدیریتی و اجرایی به کار گرفته می‌شود. تاکنون مطالعات متعددی به بررسی تأثیر دانش و آگاهی بر رفتار انسانی پرداخته و نتایج آنها نشان می‌دهد که فقدان دانش، مانع مؤثری در برابر الگوی مناسب رفتار شهروندی است. بدین ترتیب ارتقای دانش حقوقی در مسایل شهری می‌تواند عامل مؤثری جهت رفع موانع موجود مقابل مشارکت شهروندان در امور اداره شهر باشد. به عبارت دیگر دانش حقوقی افزون بر رشد آگاهی‌های شهروندان نسبت به چگونگی اداره محیطی که در آن زندگی می‌کنند، با افزایش ظرفیت‌های فردی و جمعی، مشارکت را تسهیل کرده و زمینه‌های دستیابی به توسعه را فراهم می‌آورد. (باتلر^۲، ۲۰۰۷، ۲۷) از سوی دیگر افزایش دانش حقوقی می‌تواند فعالیت‌های مشارکت را ارتقاء بخشد. چراکه این دانش، دیدگاه‌ها و مهارت‌ها را در اجرای صحیح قوانین و مقررات با ظرفیت‌های مختلف به کار خواهد گرفت و جامعه انسانی را توانمند خواهد ساخت. از این رو برای عملی ساختن توانمندسازی جامعه، پیشبرد اهداف توسعه و گسترش مشارکت شهروندان، آشنایی افراد با دانش حقوقی ضروری می‌باشد.^۳ (والنر، ۲۰۰۳، ۱۸۷)

- حقوق شهری

حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط متقابل شهروندان و ادارات شهر را در امر محلی و شهری تنظیم نموده و حقوق تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر نهادهای شهری را تبیین می‌نماید. (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۰۶)

¹. Frick

². Butler

³. Wallner

این شاخه از حقوق که موضوع آن روابط مردم شهر با شهرداری، حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر و روش های انجام آن همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر آن می- باشد، به عنوان یکی از شاخه های منشعب از حقوق اساس اداری و جزئی از زیرمجموعه حقوق داخلی محسوب می شود.

- مفهوم شهروندی

شهروندی به عنوان یک پدیده اجتماعی مدرن از مؤلفه های محوری نظام های امروزی و شاخصی کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است. به طور خلاصه هسته مشترک تعاریف ارایه شده از شهروندی بدین شرح می باشد:

برخورداری عادلانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی. (توسلی و حسینی، ۱۳۸۳، ۳۵) پدیده شهروندی کامل در نهایت منجر به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه برمی گردد.

علیرغم تنوع تعاریف، موضوعی واحد در همه آنها وجود دارد و آن هم تأکید بر حقوق و وظایف است. (شیانی، ۱۳۸۴، ۵) اما نکته مهم آن است که شهروندان افزون بر برخورداری از فرصت ها و مسئولیت ها باید از دانش و منابعی که آنها را قادر به مشارکت می کند نیز بهره مند گردند. جامعه و متصدیان امور، وظیفه تأمین این نیاز را به عهده دارند. به عبارت دیگر، شهروندی کامل در ترکیب ابعاد مختلفی از آگاهی و رفتار تحقق می یابد.

مطالعات نشان می دهد در تحقق واژه شهروندی و آگاه سازی مردم همچنین بحث حقوق شهروندی، آموزش نقش انکارناپذیری دارد. مورد اخیر در تمامی مجامع بین المللی پذیرفته شده و به صورت اصل درآمده است. به طوری که NCSS چهار عنصر برای یک شهروند مطلوب را بدین صورت ارایه می نماید: دانش، تفکر، تعهد و عمل. (فائدی، ۱۳۸۵، ۱۹۳) آموزش در سطح جامعه شهری، شهروندان را به ابزار دانش و درک مهارت ها، نگرش ها، ارزش ها و گرایش ها مجهز ساخته و آنها را قادر می سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در سطح جامعه شهری به عهده بگیرند. (آقازاده، ۱۳۸۵، ۵۰) این آموزش ها معمولاً با سه هدف کلی انجام می گیرد:

- آموزش درباره شهروندی

- آموزش به منظور شهروندی

- آموزش از طریق شهروندی

در نهایت باید اذعان داشت، شهر‌هنگامی از ساختارهای کالبدی آجری و سیمانی فراتر می‌رود و هویت واقعی خود را می‌یابد که از شهروندان تشکیل شود. هویت شهروندی به عنوان نوعی هویت اکتسابی، در تعامل میان شهروندان و سازمان‌های مرتبط شکل می‌گیرد. هر دو طرف این تعامل دارای حقوق و تکالیفی هستند که بدون پایبندی به آن نمی‌توان انتظار تحقق جامعه‌ای اصولی را داشت. (توکلی، ۱۳۸۱، ۱۴)

۲- فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اول: بین جنسیت و میزان آگاهی از حقوق شهروندی و قوانین شهری ارتباط معناداری وجود دارد.

- فرضیه دوم: هرچه تحصیلات افراد بالاتر باشد میزان آگاهی آنها از از حقوق شهروندی و قوانین شهری بیشتر است.

- فرضیه سوم: بین سن افراد و میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی و قوانین شهری تفاوت معناداری وجود دارد.

۳- روش و فرآیند پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و شاخص‌های مورد مطالعه، رویکرد حاکم بر این تحقیق روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه می‌باشد. همچنین جهت تقویت پایه‌های نظری و دقت در گردآوری اطلاعات از روش اسنادی نیز استفاده گردیده است. پرسشنامه در دو مرحله آزمون و بازآزمایی توسط ۲۰ نفر از اعضای جامعه مورد مطالعه تکمیل گردید. نتایج ضریب همبستگی نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵٪، میان امتیاز پاسخگویان همبستگی قابل توجهی وجود داشته ($R=0.841$) و پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است. جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان ۲۰ تا ۳۵ سال چهار شهر پرجمعیت استان مازندران (ساری، بابل، آمل و

قائم‌شهر) و نمونه‌گیری از نوع تصادفی می‌باشد. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۰، ۱۱۷) با سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای استاندارد ۵٪ استفاده شده و بدین ترتیب حجم نمونه مورد مطالعه ۳۸۹ نفر برآورد گردیده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی با به کارگیری نرم افزار SPSS استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

- یافته‌های توصیفی

• میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در حالت عمومی

همان طور که در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است، اکثر شهروندان گروه ۲۰ تا ۳۵ سال، از حقوق کلی خود در رابطه با شهرداری اطلاعی نداشته و افراد مطلع در ۲/۷٪ جامعه مذکور را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۱): میزان آگاهی عمومی شهروندان از حقوق شهروندی

میزان/گویه ها	عدم اطلاع	کم	متوسط	زیاد	مطلع
درصد	۱۹.۱	۴۱.۵	۳۱.۳	۵.۴	۲.۷
درصد تجمعی	۱۹.۱	۶۰.۶	۹۱.۹	۹۷.۳	۱۰۰

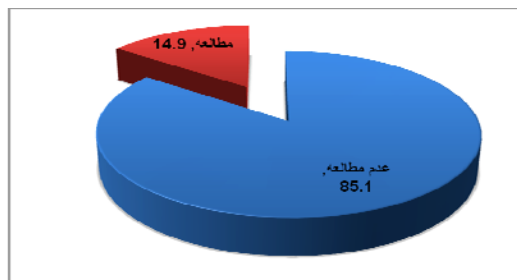
مأخذ: محاسبات نگارندگان

بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع بر اهمیت آن صحنه می‌گذارد. عدم اطلاع شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری، علاوه بر خسارات شخصی، جامعه شهری را نیز با مشکلات فراوان روبرو خواهد نمود. چرا که در اکثر موارد به دلیل عدم وجود پشتوانه مناسب اجرایی، سهل‌انگاری‌های قانونی، روابط، پرداخت جریمه به جای از بین بردن تخلف و غیره مشکلات بر جای خود باقی می‌ماند، کالبد شهر و عملکرد آن را با آشفتگی فراوان مواجه کرده و از سوی دیگر مشارکت شهروندان را نیز کم‌رنگ خواهد نمود.

از طرف دیگر همان‌طور که با بررسی اجمالی از میزان اطلاع عمومی از قوانین و حقوق شهری می‌توان پیش‌بینی نمود، ۸۵/۱٪ از جامعه مورد مطالعه تمایلی به مطالعه در زمینه‌ی قوانین شهری و حقوق شهروندان از خود بروز نداده و درصد کمی (۱۴/۹٪) هم که از این

مورد استقبال نمودند، اکثراً شامل افرادی است که قبلاً در یکی از زمینه‌های حقوقی با شهرداری دچار مشکلاتی بوده‌اند.

نمودار شماره (۱): درصد مطالعه شهروندان در زمینه حقوق و قوانین شهری

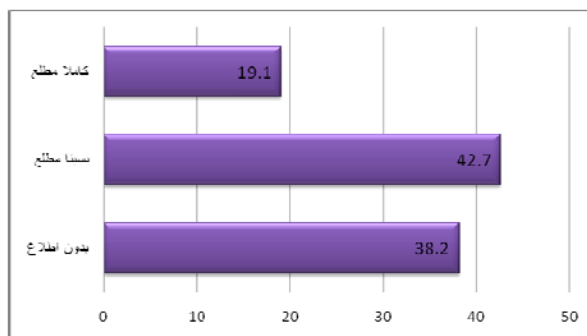


• میزان اطلاع عمومی از قوانین انتخابی

- ماده صد

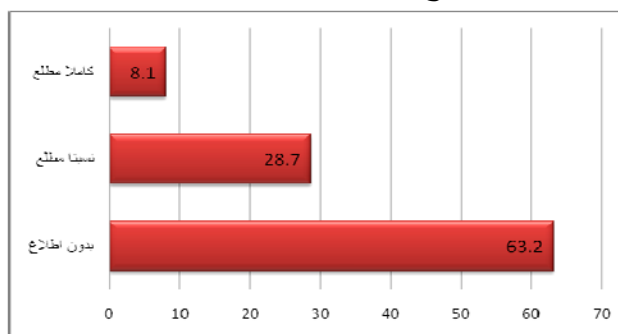
همان‌طور که از نمودار شماره (۲) می‌توان دریافت، افراد بدون اطلاع، نسبتاً و کاملاً مطلع نسبت به ماده صد به ترتیب ۳۸/۲، ۴۲/۷ و ۱۹/۱ درصد حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل توجه آن که میزان اطلاع شهروندان از ماده‌ی صد شهرداری نسبت به سایر قوانین مورد پرسش، بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. با بررسی اجمالی کالبد شهری و شرایط فیزیکی آن به راحتی می‌توان به علت این امر پی برد. بافت مسکونی اکثر شهرهای شمال کشور به صورت عرصه و اعیان بوده ولی با گذشت زمان، شیوع بلند مرتبه-سازی موجب تخریب این بافت و جایگزینی آن به وسیله‌ی آپارتمان‌ها گردیده‌است که طبیعتاً با توجه به عدم اطلاع عمومی از قوانین مربوط به ساخت و سازهای شهری، بسیاری از شهروندان در این مورد با شهرداری دچار مشکل گردیده و مجبور به پرداخت جریمه شده‌اند. عدم اطلاع شهروندان از این قانون در گذشته علاوه بر خسارات مالی تحمیل شده بر آنها، موجب شد به دلیل عدم تخریب ساخت و سازهای اضافی در اکثر موارد (به دلیل پرداخت جریمه)، کالبدشهری چه از لحاظ بصری و چه از لحاظ عملکردی دچار مشکلات فراوان باشد.

نمودار شماره (۲): درصد اطلاع عمومی شهروندان از ماده‌ی صد شهرداری



- قوانین مربوط به حق شهرداری در خرید املاک همان‌طور که در سایر قوانین مورد پرسش نیز مشاهده شد، عدم اطلاع عمومی در مورد قوانین مربوط به حق شهرداری در خرید املاک واقع در طرح‌های عمران عمومی، درصد بالایی (۶۳/۲٪) را به خود اختصاص داده‌است.

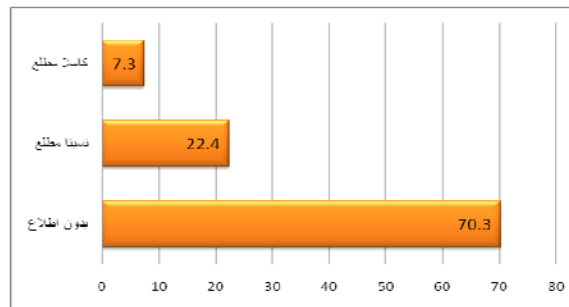
نمودار شماره (۳): درصد اطلاع عمومی شهروندان از قوانین مربوط به خرید املاک



- قوانین مربوط به حق کسب و پیشه همان‌طور که در نمودار شماره (۴) قابل ملاحظه است در مجموع تفاوت چشمگیری بین میزان اطلاع و عدم اطلاع از قوانین مربوط به حق کسب و پیشه وجود دارد. متأسفانه بالای ۷۰/۳٪ شهروندان که اکثر آنها نیز به مشاغل تجاری مشغول بوده‌اند از اختصاص حق کسب و

پیشه به خود در صورت فروش ملک تجاری به شهرداری، اطلاع کافی و لازم را نداشته‌اند. این عدم آگاهی خسارات مالی قابل ملاحظه‌ای را به شهروندان وارد خواهد کرد که متأسفانه به دلیل ذینفع بودن شهرداری، اطلاع‌رسانی لازم مانند اکثر قوانین دیگر انجام نشده است.

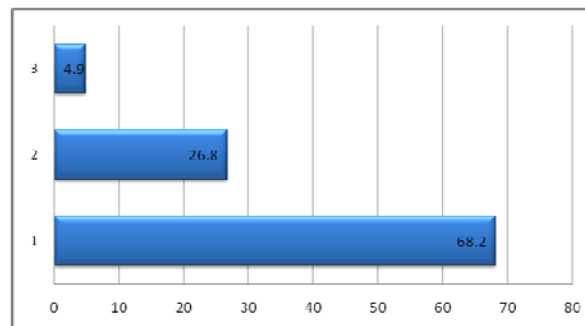
نمودار شماره (۴): درصد اطلاع عمومی شهروندان از قوانین مربوط به حق کسب



- قوانین مربوط به منع قطع درختان

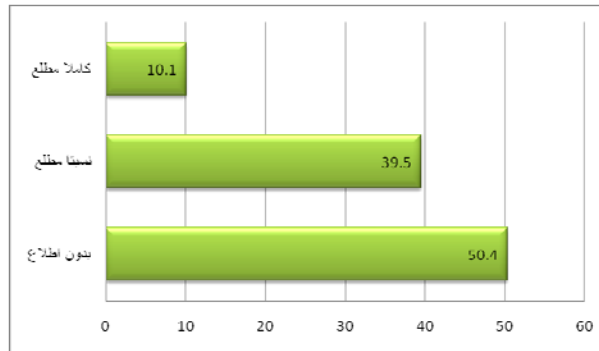
کمترین اطلاع عمومی از قوانین متداول شهری به قانون منع قطع درختان شهری اختصاص دارد. همان‌طور که در نمودار شماره (۵) قابل ملاحظه است، افراد بدون اطلاع، نسبتاً و کاملاً مطلع از این قانون به ترتیب ۶۸/۲، ۲۶/۸ و ۴/۹ درصد حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به شرایط طبیعی و سرسبزی محیط، متأسفانه شهرداری برنامه‌ریزی اصولی برای احداث و نگهداری فضای سبز شهری نداشته و قوانین مرتبط با آن را به درستی اجرا نمی‌نماید. در نتیجه اکثر شهروندان از قوانین مربوط به این مقوله بی‌اطلاع می‌باشند.

نمودار شماره (۵): درصد اطلاع عمومی شهروندان از قوانین مربوط به قطع درختان



- قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی پایین بودن اطلاع عمومی شهروندان نسبت به وظایف شهرداری در نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی که یکی از ابتدایی‌ترین وظایف شهرداری‌ها می‌باشد، دلالت بر سطح بسیار پایین آگاهی‌های عمومی در زمینه‌ی حقوق و قوانین شهری دارد. افراد بدون اطلاع، نسبتاً آگاه و کاملاً مطلع از قوانین مربوط به مکان‌های عمومی به ترتیب ۵۰/۴، ۳۹/۵ و ۱۰/۱ درصد جامعه را به خود اختصاص داده‌اند. قابل ذکر است که عدم آگاهی از این قانون موجب عدم نظارت عمومی و در نتیجه پایین آمدن کیفیت فضاهای شهری خواهد شد.

نمودار شماره (۶): درصد اطلاع عمومی از قوانین نگهداری مکان‌های عمومی



- یافته‌های استنباطی

رابطه میان میزان آگاهی از حقوق شهروندی و قوانین شهری با جنسیت محاسبات نشان می‌دهد ضریب همبستگی میان میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری و جنسیت شهروندان بسیار بالا و برابر ۰/۸۶ بوده (ضریب اطمینان ۹۹٪) بوده با این توصیف که میزان این آگاهی در مردان در مقایسه با زنان بسیار قابل توجه می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد.

رابطه میان میزان آگاهی از حقوق شهروندی و قوانین شهری با تحصیلات

با توجه به یافته‌های آماری، X^2 محاسبه شده در مقایسه با کای اسکور حاصل از جدول در سطح اطمینان ۹۵٪ و با درجه آزادی ۴، کوچکتر بوده و بدین ترتیب میان سطح تحصیلات و

میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری ارتباط معناداری وجود نداشته و برخلاف انتظار فرضیه دوم پژوهش رد می‌گردد.

جدول شماره (۲) میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری به

تفکیک سطح تحصیلات

دانش حقوقی / تحصیلات	فوق دیپلم و کمتر	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر
بدون اطلاع	۵۳	۷۴	۱۹
نسبتاً مطلع	۵۷	۱۰۲	۲۶
کاملاً مطلع	۱۳	۲۱	۶

$$x^2 = 4.89 \text{ sig} = 0.05 \text{ d.f} = 4$$

با اندکی تفحص در نوع فعالیت شغلی و میزان ارتباط افراد با شهرداری، دلیل این امر قابل بررسی می‌باشد. مطالعات حاکی از آن است که اکثر افراد نسبتاً مطلع و کاملاً آگاه به حقوق و قوانین شهری افرادی هستند که یا در زمینه‌ی مشاغل مربوط به امور شهری فعالیت دارند و یا حداقل یکبار با بخش‌های مختلف شهرداری دچار مشکل حقوقی شده‌اند. بنابراین میزان این اطلاع لزوماً ارتباطی با میزان تحصیلات آکادمیک نداشته و بسیاری از شهروندان با وجود میزان تحصیلات پایین، به صورت تجربی با این حقوق و قوانین آشنایی پیدا کرده و بسیاری از افراد با تحصیلات بالا کوچکترین اطلاعی در این زمینه ندارند. قابل ذکر است که اکثر شهروندانی که از قوانین شهری مطلع بوده‌اند نسبت به حقوق خود نیز اطلاع کافی داشته‌اند و بالعکس.

تفاوت میان میزان آگاهی از حقوق شهروندی و قوانین شهری و سن

برای تعیین وجود یا عدم وجود تفاوت میان دانش حقوقی شهروندان و سن آنها (در جامعه مورد مطالعه) از آزمون T- test استفاده شده‌است. محاسبات و یافته‌های آماری نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، با افزایش سن شهروندان، میزان آگاهی آنها از حقوق و قوانین شهری افزایش می‌یابد.

$$(N = 371 \text{ d.f} = 370 \text{ t} = 26.8 \text{ sig: } 0/000)$$

بنابراین فرضیه سوم اثبات می گردد. بدین ترتیب بیشتر میزان اطلاع بین ۳ گروه (۲۰ تا ۲۵، ۲۵ تا ۳۰ و ۳۰ تا ۳۵ سال) مربوط به گروه ۳۰ تا ۳۵ سال می باشد. با بررسی این گروه از لحاظ فعالیت های اجتماعی، به خوبی قابل ملاحظه است که بیشتر افراد این دسته به مشاغل در زمینه فعالیت های شهری مشغول هستند. اکثر افراد فوق الذکر دارای مشاغل مانند: بنگاه معاملاتی، بساز و بفروشی، واسطه گری مصالح ساختمانی، کارمند شهرداری و غیره می باشند که به صورت تجربی یا به دلیل نوع فعالیت خود، با قوانین شهری و اصول کارکردی شهرداری آشنا شده اند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

همان طور که گفته شد برخلاف اصول توسعه پایدار شهری و با وجود درصد بالای افراد تحصیل کرده، در گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال چهارشهر بزرگ استان مازندران، سطح آگاهی های عمومی در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری بسیار اندک بوده و اطلاع کمی نیز که در این زمین وجود دارد در اثر فعالیت های خاص مرتبط، درگیری های حقوقی یا به صورت تجربی کسب گردیده است. نتایج نمونه گیری انجام شده در این پژوهش نشان می دهد که آگاهی پایین در مورد قوانین بسیار متداول بوده و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی نیز جز در رشته های مرتبط، از موضوع مستثنی نمی باشند. بدین ترتیب سطح پایین آگاهی عمومی در کنار بعضی کاستی های دیگر که در زمینه قوانین شهری به چشم می خورد موجب عدم موفقیت در اجرای مناسب و صحیح قوانین، رعایت حقوق شهروندی، نظارت کامل بر توسعه شهری، مدیریت ناموفق و حل سایر معضلاتی می گردد که امروز اکثر شهرهای ما با آن دست به گریبان می باشند. در نهایت برای افزایش آگاهی های عمومی، اجرای صحیح قوانین و کاهش درگیری های حقوقی، موارد زیر پیشنهاد می گردد:

۱- بالا بردن سطح آگاهی جامعه به ویژه جوانان در زمینه حقوق و قوانین شهری به کمک رسانه های گروهی.

۲- انتشار و پخش بروشورهای اطلاع رسانی از طرف سازمان های ذیربط.

- ۳- گذاردن کلاس‌های توجیهی قوانین متداول شهری برای شهروندان از طرف سازمان‌های مرتبط.
- ۴- استقرار روش‌های ترویج، تشویق و تسهیل مشارکت‌های عمومی در اجرای قوانین.
- ۵- رفع تناقض احتمالی بعضی از قوانین با یکدیگر.
- ۶- رفع ابهام در بعضی از الفاظ در قوانین که باعث فهم نادرست آن و ایجاد اختلاف می‌شود. (علی آبادی، ۶، ۱۳۸۱)
- ۷- به روز کردن قوانین.
- ۸- اصلاح منطقی قوانین و از بین بردن زمینه‌های تخلف.
- ۹- ایجاد پشتوانه حقوقی- اخلاقی برای اقدامات مسئولان.
- ۱۰- جلوگیری از رواج تصمیمات موردی، مقطعی، موازی، ناپایدار و ناهماهنگ. (گرچی، ۱۳۸۲، ۵۹)
- ۱۱- اجرای دقیق قوانین و برخورد با متخلفان، بدون استثناء و اغماض موردی.
- ۱۲- تعیین مراجع ذی صلاح مسئول رسیدگی و نحوه‌ی برخورد قانونی و معرفی آنان به مردم.

فهرست منابع

- ۱- آقازاده، احمد، (۱۳۸۵)، اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- ۲- توسلی، غلام عباس و حسینی، سید محمود، (۱۳۸۳)، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- ۳- توکلی، فرحناز، (۱۳۸۰)، هویت شهروندی؛ حقوق و تکالیف، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۴.
- ۴- جهانگیر، منصور، (۱۳۸۱)، قوانین و مقررات شهر و شهرداری، نشر دوران.
- ۵- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران.

- ۶- حجتی اشرفی، غلامرضا، (۱۳۷۴)، مجموعه کامل قوانین شهرداری و شورای اسلامی، انتشارات گنج دانش.
- ۷- زراعت، عباس، (۱۳۸۱)، مشکلات حقوقی شهرداری‌ها، مجله شهرداری‌ها، شماره ۴۶.
- ۸- شیانی، ملیحه، (۱۳۸۶)، فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- ۹- عبدالله خانی گرجی، بهرام، (۱۳۸۲)، تدوین حقوق شهری و اخلاق شهرسازی و ساختمان سازی، مجله آبادی، شماره ۳۹.
- ۱۰- علی آبادی، جواد، (۱۳۸۱)، درگیری قضایی شهرداری‌ها، مجله شهرداری‌ها، شماره ۴۶.
- ۱۱- قائدی، یحیی، (۱۳۸۵)، تربیت شهروند آینده، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- ۱۲- کلانتری، خلیل، (۱۳۸۰)، برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، انتشارات خوشبین و انوار دانش.
- ۱۳- لطفی، حیدر و دیگران، (۱۳۸۸)، مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقا حقوق شهروندان، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره اول.
- ۱۴- معاونت برنامه ریزی استانداری مازندران، ۱۳۸۵، سالنامه آماری استان مازندران.
- ۱۵- یلدرم، صلاح الدین، (۱۳۸۰)، بیانیه اروپایی حقوق شهری، ترجمه حسین ایمانی، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۲۹.
- 16- Butler, et al, A Theoretical model and framework for understanding Knowledge Management System Implementation, Journal of Organizational and End User Computing, Vol.19, No.4, 2007.
- 17- Frick, J, Kaiser, Wilson, Environmental knowledge and conservation behavior: Exploring prevalence and structure in a representative sample, Personality and Individual Differences, 37, pp.1-27, 2004.
- 18- Lang, J.C, Managerial concerns in knowledge management, Journal of Knowledge Management, Vol.5, No.1, pp.43-57, 2001
- 19- Sastry, K.R, Participation, Connotation and Contact, Asia-Pacific Journal of Rural Development, Vol.1, No.1, pp. 12-19, 1997.

20- Wallner, S, Hunziker, M, Do natural science experiments influence public attitudes towards environmental problems, *Global environmental change*, 13, pp.185-194, 2003.

21. Webber, Melvin.M, 1997, *the urban place and non place urban realm*, university of Pennsylvania.